

New finding couplet (mathnavi) of “vali Dasht bayazy”

Marzieh Raghebian ¹

Bachelor of Persian Language and Literature, Shahr Kurd University, Shahr
Kurd, Iran

Abstract

“Dasht bayazy” is one the poem of tenth century A.H that has a literal work .His work were corrected with twelve manuscripts twice and contain sonnets, odds, quatrain and a part of his couplet. There is a couplet was composed by “vali” in majles libraries’ manuscript in number 1122 about description of “Ayaz”’s visage in meter of nezami’s “shirin and khosrow” that isn’t present in correction work. There is twelve couplets with 290 verses in corrected work which all of them are incomplete. This manuscript probably was written in 11th century and is valuable for the reason of writing in the era near “vali”’s lifetime. In this essay, we compare our new couplet with other “vali”’s couplets in his complete work.

Keywords: Vali Dasht bayazy, Masnavi, Khosrow and Shirin, manuscript

¹ Email: ma.raghebian@yahoo.com

مثنوی نو یافته‌ای از ولی دشت بیاضی

مرضیه راغبیان^۱

دانش آموخته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد، شهر کرد، ایران

چکیده

مولانا محمد ولی دشت بیاضی از شاعران سده دهم هجری است که دیوان شعری از او به جای مانده است. دیوان وی دو بار و بر اساس دوازده نسخه تصحیح شده که شامل غزلیات، قصاید، رباعیات و بخشی از مثنوی‌های این شاعر بزرگ است. در دیوان تصحیح شده، دوازده مثنوی در ۲۹۰ بیت آمده است. ظاهراً این مثنوی‌ها ناقصند که مصحح نیز به این نکته اشاره کرده است. در مجموعه‌ای از کتابخانه مجلس به شماره ۱۱۲۲، یک مثنوی از «ولی» در وصف رخ ایاز و در بحر خسرو و شیرین نظامی آمده است که در دیوان تصحیح شده موجود نیست. این مثنوی در قسمت نهم از این نسخه خطی آمده است. کتابت این مجموعه احتمالاً در قرن یازدهم است و به سبب نزدیکی زمان کتابت اثر به دوره زندگی ولی دشت بیاضی، احتمال صحت انتساب این مثنوی به دشت بیاضی افزایش می‌یابد. در این مقاله به بررسی مثنوی‌های دیوان دشت بیاضی در مقایسه با مثنوی نو یافته ایاز پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: ولی دشت بیاضی، مثنوی، خسرو و شیرین، نسخه خطی

1 Email: ma.raghebian@yahoo.com

۱. مقدمه

نسخ خطی، منابع ارزشمندی هستند که به ویژه در صورت تک نسخه بودن، احتمال از بین رفتن آنها به هر دلیلی وجود دارد. هر گونه تلاش برای حفظ این نسخه‌ها اعم از فهرست نویسی، تهیه میکرو فیلم، تصحیح و حتی معرفی ضمن یک مقاله، می‌تواند بسیار سودمند بوده باشد و مانع از گمناهی اثر شود. حتی در صورت از بین رفتن نسخه، مطالب آن را حفظ کند؛ همچنان که فهرست شدن این مجموعه، سبب اطلاع ما از مثنوی ایاز شد.

داستان عاشقانه محمود و ایاز، از زمان سلطنت محمود غزنوی، داستان مشهوری بوده و دستاویزی برای سرودن اشعار عاشقانه شده است. به مرور زمان، شعرای عارف مسلک، از داستان ایاز، بهره عرفانی برده و مضامین عمیق عرفانی رادر قالب این داستان بیان کرده‌اند. اوج توجه به این داستان، قرن دهم و یازدهم است. از شاعرانی که در قرن دهم هجری به سرایش این داستان در قالب مثنوی پرداخته‌اند، «ولی دشت بیاضی» است. مثنوی ایاز وی در قسمت نهم از مجموعه ۱۱۲۲ کتابخانه مجلس آمده است. در این مقاله به سیر تاریخی داستان محمود و ایاز می‌پردازیم و با مقایسه این مثنوی با سایر مثنوی‌های دیوان ولی و مثنوی‌های محمود و ایاز هم عصر او، صحت انتساب این مثنوی را به ولی مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای اطمینان بیشتر، به دیوان‌های سایر ولی‌ها در نسخه‌های خطی و تذکره‌ها نیز توجه کرده‌ایم.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. سیر تاریخی داستان محمود و ایاز

از ابتدا تا سده دهم

سلطان محمود غزنوی (۳۶۰-۴۲۱ ه ق) مقتدرترین پادشاه سلسله غزنوی است که در سال ۳۸۷ ه ق به حکومت رسید و تا سال ۴۲۰ ه بر اریکه قدرت بود. محمود پس از مرگش، به ویژه نزد شعرای عارف، شخصیتی اسطوره‌ای یافت و به ویژه دلبستگی‌اش به غلام ترک‌زاده به نام ابوالنجم ایازی (م ۴۴۹ ه) دستاویزی برای شعر عرفانی گشت تا با توسعه و تحوّل این داستان، شخصیت آن دو را مظهر طالب و مطلوب عرفانی کنند. در زمان حیات محمود، ماجرای عشق وی به ایاز مشهور بود؛ اما پس از مرگ محمود، شهرت این داستان افزون شد و جایگاه خاصی در ادبیات غنایی و عرفانی یافت. در واقع از سده ششم به بعد، این واقعیت تاریخی، وسیله‌ای برای بیان مفاهیم عرفانی شد. در ادامه به بررسی سیر تاریخی این داستان در متون ادبی می‌پردازیم.

فرخی سیستانی (م ۴۲۹) شاعر دربار محمود غزنوی، قصیده‌ای در مدح ایاز سروده و وی را به صفات جنگاوری، شجاعت و زیبایی توصیف کرده است. پس از او ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰) در تاریخش پنج بار از ایاز یاد کرده است. در قابوسنامه عنصر المعالی (م ۴۶۲) در ضمن یک داستان از ایاز یاد شده است. بررسی آثاری که در زمان محمود یا روزگار نزدیک به وی درباره ایاز سخن گفته‌اند، نشان می‌دهد که محمود غزنوی جز زیبایی ایاز، شیفته شجاعت و جنگاوری، هوش، فراست و وفاداری وی بوده است.

از قرن ششم به بعد، سیر داستان محمود و ایاز تغییر یافت و جنبه‌ای کاملاً عرفانی گرفت. احمد غزالی (م ۵۲۰) و شاگردش عین القضات همدانی (م ۵۲۵) مطالبی بر داستان افزوده، به محبوبیت

ایاز مایه‌های عشق عرفانی بخشیدند و مفاهیم عرفانی بسیاری را با این داستان بیان کردند. این داستان در نوشته‌ها و اشعار نویسندگان و شاعران عارف، به ماجرای از عشق عرفانی بدل شد. سنایی (م ۵۴۵) - نخستین شاعری که مفاهیم عرفانی را در شعر بیان کرده - با بهره‌گیری از این داستان، تعبیر زیبای عرفانی خلق کرده است.

پس از سنایی، بیشترین نمود عرفانی این داستان، در آثار عطار دیده می‌شود. او برداشت‌های عرفانی خود را از این داستان به اوج رسانده و ضمن حکایاتش، از محمود و ایاز شخصیتی متعالی و عرفانی ساخته است.

مولانا (۶۰۴ - ۶۷۲) که معروف‌ترین سراینده اشعار عرفانی پس از دو شاعر یاد شده است، مفاهیم تعبیر عرفانی از این داستان را با برداشت‌های خود در دفتر دوم، چهارم، پنجم و ششم بیان کرده است. نمونه‌ای از این ابیات که سرشار از محتوای متعالی عرفانی در ادامه آمده است:

ای ایاز گشته فانی اقتراب	همچو اختر در شعاع آفتاب
چيست معراج فلک این نیستی	عاشقان را مذهب و دین نیستی
پوستین و چارق آمد از نیاز	در طریق عشق محراب ایاز
گشته بی کبر و ریا و کینه ای	حسن سلطان را رخس آینه ای
چون که از هستی خود او دور شد	منتهای کار او محمود شد

سعدی (۶۰۶-۶۹۰) هر گونه شائبه عشق زمینی را از داستان محمود و ایاز زدوده و بر خلق و خوی پسندیده ایاز تأکید ورزیده است. نجم‌الدین رازی (م ۶۴۵) در مرصادالعباد و فخرالدین عراقی (۶۱۰-۶۸۸)، شاعر عارف قرن هفتم، از این داستان بهره عرفانی برده و در برخی قسمت‌ها بدان اشاره کرده‌اند.

از دیگر شعرای عارف که نگرشی عرفانی به این داستان داشته، نعمت‌الله ولی (۷۳۰-۸۳۲) یا (۸۳۴) است. در شعر نعمت‌الله ولی عاشق و معشوق و طالب و مطلوب با دیدگاهی عرفانی به نظم در آمده‌اند. تأثیرپذیری او از تعالیم ابن عربی در اتحاد عاشق و معشوق به داستان محمود و ایاز نیز راه یافته است. شواهدی از اشعار او را در بخش‌های بعد می‌آوریم. جامی (۸۱۷-۸۹۸) نیز در غزلیات زیادی، برداشت عرفانی خود را از این داستان شرح داده است.

سده دهم تا دوازدهم

اوج توجه به داستان محمود و ایاز، سده دهم و یازدهم است. با وجود اقتدار غزل، شاعرانی از جمله صائب تبریزی، صفی کاشفی سبزواری، زلالی خوانساری و انیسی شاملو، در این دوره با قالب مثنوی، این داستان را منظوم کرده‌اند. دید این شاعران نیز، چون دوره‌های قبل، عرفانی است. معروف‌ترین و زیباترین مثنوی محمود و ایاز، سروده زلالی خوانساری (م ۱۰۲۴) است.

از سده دوازدهم به بعد، به دلیل گسترش اشعار مدحی و عدم توجه به ادبیات عرفانی، داستان محمود و ایاز، جوانب عرفانی خود را از دست داده و پرداختن به آن در ادبیات غنایی، تنها به شکل تلمیح یا تصویرسازی و محدود به توصیف زیبایی‌های ایاز شده است.

مثنوی نو یافته‌ای از ولی دشت بیاضی / ۱۲۵

این مجموعه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۱۲۲ است. مجموعه به قلم شکسته نستعلیق، در قطع رقعی باریک، ۱۹×۹ در ۱۴۴ برگ است. تاریخ کتابت و نام کاتب در نسخه موجود نیست؛ اما شواهد نشان می‌دهد مجموعه متعلق به قرن یازدهم هجری است. این مجموعه را آقای عبدالحسین حائری در جلد سوم از فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی معرفی کرده است. این مجموعه نسبتاً حجیم، شامل بیست بخش مختلف است که برخی از بخش‌ها خود رساله‌ای مستقل است. در نسخه ۱۱۲۲ حکایات و روایات، نامه‌ها و منشآت به نثر و منتخب اشعار، غزلیات، قصیده، ترجیع بند و مثنوی‌های متعدد به نظم آمده است.

تعدد مثنوی‌ها در این نسخه شایان توجه است. بیش از ده مثنوی از شعرای مختلف در این مجموعه آمده که برخی از حیث مضمون یا دست کم از لحاظ نام مشابهت دارند. چند مثنوی قضا و قدر از شعرای مختلفی چون نادر (نادرا)، حکیم رکنای کاشفی کرمانی، مثنوی مولانا قدسی کرمانی در پاسخ حکیم رکنای کاشفی و مثنوی از محمدقلی سلیم آمده است. علاوه بر مثنوی در وصف رخ ایاز (ص ۳۴-۳۶) از ولی دشت بیاضی، بخش‌هایی از مثنوی محمود و ایاز از انیسی شاملو و زلالی خوانساری نیز در این مجموعه آورده شده است. پس می‌توان گفت گردآورنده مجموعه به جمع‌آوری مثنوی به ویژه مثنوی محمود و ایاز علاقه خاص داشته است.

متأسفانه این مجموعه ارزشمند، از نسخه‌های مفقودی کتابخانه مجلس است. این در حالی است که این نسخه مجموعه‌ای منحصر به فرد بوده، هیچ نسخه‌ای از آن در سایر کتابخانه‌ها وجود ندارد. علاوه بر آن، بسیاری از مطالب آن تنها در این مجموعه وجود داشته و در حقیقت با مفقود شدن این نسخه، دسترسی به همه این مطالب که مثنوی ایاز و محمود دشت بیاضی نیز از آن جمله است، غیر ممکن شده است. خوشبختانه آقای عبدالحسین حائری معرفی بسیار دقیقی از این مجموعه در

جلد سوم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس ارائه داده است که اطلاعات ما درباره مجموعه ۱۱۲۲ برگرفته از این فهرست است.

۳. بررسی مثنوی ایاز در مقایسه با سایر مثنوی‌های ولی

ذکر شد که دسترسی به مثنوی ایاز ولی دشت بیاضی به سبب مفقود شدن نسخه ۱۱۲۲ و از آن رو که از این مثنوی تنها در این نسخه یاد شده، برای ما مقدور نبود، اما خوشبختانه فهرست‌نویس مجموعه، اطلاعات خوبی از این مثنوی ارائه داده، ابیاتی از آن را در معرفی خود آورده است.

از معرفی او بر می‌آید که در نسخه، به صراحت این مثنوی از ولی دشت بیاضی دانسته شده است. وزن مثنوی، هزج مسدس محذوف و در بحر خسرو و شیرین نظامی است. از جمله ابیات این مثنوی چنین است:

ایاز آمد رخی چون موج لاله	به دستی شیشه و دستی پیاله
در این خلوت نهد گر صبحدم گام	بگویم آن را کین را در آشام
سحر گر شوید از شب رخت خود را	در آن پوشم لباس بخت خود را
مرا امشب که از بخت تورنگ است	ز دوران آنچه می خواهم درنگ است
صفیری گر برآرد مرغ شبگیر	کنم از دانه اشکش گلوگیر

برای اطمینان از صحت انتساب، این مثنوی را با سایر مثنوی‌های موجود در دیوان ولی مقایسه می‌کنیم. در دیوان ولی دوازده مثنوی آمده که یازده مثنوی از آن، هم وزن مثنوی ایاز ولی است (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل). در صفحات ۳۴ - ۳۶ مجموعه ۱۱۲۲ که مثنوی ایاز ولی آمده، این مثنوی، بخش از مثنوی بزرگ او «در عشق» دانسته شده است. پس این مثنوی ناقص است، درست مانند سایر مثنوی‌های موجود در دیوان، چنان که مصحح دیوان نیز به ناقص بودن این مثنوی‌ها اشاره کرده است.

مثنوی نو یافته‌ای از ولی دشت بیاضی / ۱۲۷

نکته جالب آنکه از بین نسخ موجود از دیوان، نسخه‌های محدودی مثنوی‌ها را آورده‌اند. همان نسخه‌ها نیز هر یک چند بیت از هر مثنوی را دارند که کاملاً روشن است که از ابتدا و انتهای آن‌ها ابیاتی افتاده است. با توجه به این نکته، شاید بتوان حدس زد که «ولی»، اثری جز دیوان داشته که مثنوی‌های خود را به طور کامل، در آنجا ضبط کرده بوده است.

مؤلف تذکره خیرالبیان که با ولی دشت بیاضی ملاقات داشته، نوشته است:

«... و در آن ایام از هر قسم اشعار بلاغت دثار به منصفه آثار رسیده از آن جمله مثنوی خسرو و شیرین پیشنهاد همت فکر معنی پژوه خود ساخته، چند حکایت از آن کتاب به نظم آورده ...» (تذکره خیرالبیان ص ۲۳۷، به نقل از دیوان ولی دشت بیاضی، مقدمه: ۲۰). پس روشن است که وی مثنوی بلندی با نام خسرو و شیرین را سروده بوده که امروز تنها ابیاتی از آن باقی مانده است.

بین مثنوی‌های ولی، یک مثنوی هفت بیتی وجود دارد (مثنوی شماره ۹ دیوان) که از حیث مضمون، وزن و واژه‌های به کار رفته بسیار شبیه مثنوی ایاز ماست. چهار بیت نخستین آن چنین است:

تواند صد شکاف انداخت در مو	به شرب شیشه از اعجاز بازو
که غافل گر شوی آید به پرواز	کشد در سنگ از آن سان صورت باز
که بالش خالی از پرواز بودی	به طبعش صورتی ناساز بودی
که صد غواص دارد همچو مانی	کفش بحری ست گاه تیشه رانی

شاید این احتمال دور از واقع نباشد که بگوییم ابیات مثنوی نُه و مثنوی ناقص ایاز نسخه ۱۱۲۲، بیت‌هایی از مثنوی بزرگ ولی «در موضوع عشق» است که گرد آورنده مجموعه به آن اشاره کرده است. البته با توجه به آنکه تمام این مثنوی‌های ناقص، وزنی یکسان و مضمونی بسیار شبیه هم دارند تا جایی

که با حذف شماره بندی آن‌ها و شاید چند جابجایی در چینششان، بتوان آنها را یک مثنوی بزرگ دانست که البته ابیاتی از میانشان افتاده است.

با وجود استدلال‌های ذکر شده، برای اطمینان بیشتر از صحت انتساب مثنوی ایاز به ولی دشت بیاضی، سایر مثنوی‌های ایاز هم عصر شاعر و دیگر شعرایی را که به «ولی» شهرت داشته‌اند، بررسی کرده‌ایم. نتیجه این بررسی در ادامه می‌آید.

۴. دیگر ولی‌ها

میرزا ولی قلی بیگ شاملو، پسر حاج داود قلی شاملو: از آثار او می‌توان به دیوان شعر، شاهنامه شاه عباس ماضی در چهل هزار بیت و کیفیت محاربه عالیجاه و ذوالفقار خان به نظم اشاره کرد. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۴۵: ۱۲۸۰؛ مولوی صبا، ۱۳۴۳: ۹۱۴)

ولی قهستانی: نامش شاه اسحاق نوه شاه اسحق اول، از اولاد حکام قهستان که در ۸۹۹ فوت کرده است. صاحب دیوان شعری است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۴۵: ۱۲۸۱)

ولی دهلوی: نامش نوازی داس و از منشیان شاهزاده محمد دارالشکوه است. وی صاحب دیوان شعری است و به رباعی سرایی او اشاره شده است. (همان، ۱۲۸۰؛ مولوی صبا، ۱۳۴۳: ۹۱۵)

ولی هروی: نامش میر سلطان ولی و نوه ولی بیک است. او که از ملاومان بابر میرزا است، دیوان شعری دارد. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۴۵: ۱۲۸۱؛ بهوپانی متخلص به سلیم، ۱۳۹۰، ۱۲۲۲)

ولی خان گرجی: او از غلامان سلاطین صفویه بوده و شاعری خوش سلیقه اش دانسته اند. (همان، ۲۲-۱۲۲۱)

- دو شاعر دیگر با نام ولی وجود دارد که به مثنوی سرایی شان هم اشاره شده است.

الف) ولی بلوچ: نامش ولی محمد خان و دیوانش کتابت ۱۲۲۲ ق است. او صاحب دیوان شعر و آثار دیگری چون ساقی نامه خسرو نامه و مثنوی هیرو رانجها است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۴۵: ۱۲۸۰؛

سوختم بر آتش دل عود خویش یافتن مقصود خویش
من ایاز حضرت امان به عشق او ایاز است و منم محمود خویش

۵. دیگر مثنوی‌های ایاز

مثنوی ایاز و محمود از انیسی شاملو: علی قلی بیگ انیسی، از طایفه شاملوست که در هرات می‌زیسته است. وی پس از کشته شدن ممدوحش، علیقلی خان، به هند رفته، در خدمت خان خانان شاعری کرده و هم صحبت شکیبی اصفهانی بوده است. ابیاتی از مثنوی ایاز و محمود وی چنین است:

چو گردد صید گاه عشق بنیاد نه صید آنجا امان یابد نه صیاد
شه صاحب قران محمود قاضی برون آمد به عزم ترک‌تازی
به خون صیاد نا آلوده دامن قرار این بود شه را با غلامان

(آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۱۰)

۲. مثنوی محمود و ایاز زلالی خوانساری: حکیم زلالی خوانساری از شاعران قرن یازدهم هجری است. سرگذشت وی مجهول است، حتی نام، نام پدر، تاریخ تولد و وفات وی در تذکره‌ها ذکر نشده است. وی علاوه بر دیوان، مثنوی هفتگانه‌ای دارد که «سبعه سیاره» نامیده می‌شود. مثنوی محمود و ایاز آخرین اثر این مجموعه است که شاعر خود تاریخ شروع و پایان (۱۰۲۴-۱۰۰۱) را در اثر به حروف

مثنوی نو یافته‌ای از ولی دشت بیاضی / ۱۳۱

ابجد ذکر کرده. این مثنوی که ۶۷۶۲ بیت است، معروف‌ترین مثنوی محمود و ایاز است. زلالی این مثنوی را بر وزن خسرو و شیرین نظامی سروده و از نمونه‌های ادب غنایی در سبک هندی است. زلالی علاوه بر هماهنگی وزنی، از حیث محتوا نیز داستان محمود و ایاز را شبیه خسرو و شیرین نظامی سروده است.^۱

به بازاری که در وی جان فروشند	ز بی قدری چنین ارزان فروشند
که آن دزد ایاز ماه سیما	بدخشانی نژاد ماه پیما
چو شور روزگار از جای برخاست	سوی بازار از پی فتنه آراست

(همان، بیت‌های ۱۸۳۸-۱۸۴۰)

۳. مثنوی محمود و ایاز فخر الدین علی صفی واعظ کاشفی: نام او فخرالدین علی معروف به صفی بن مولی کمال الدین حسین بن علی مشهور به کاشفی است. او همچون پدر به وعظ مردم می‌پرداخت. در تذکره‌ها، محمود و ایاز از جمله منظومات او ذکر شده است؛ اما هیچ یک توصیفی از این مثنوی ارائه نداده‌اند و بیتی را نیز به عنوان شاهد ذکر نکرده‌اند. (سام میرزا صفوی، بی تا: ۳۱۳)

۶. نتیجه گیری

بحر خسرو و شیرین نظامی است. از آنجا که مثنوی‌های موجود در دیوان ولی ناقصند و این مثنوی نیز در هیچ یک از نسخه‌های دیوان او ذکر نشده، به نظر می‌رسد مثنوی‌های ولی اثری مجزا از دیوان او بوده‌اند. صاحب تذکره خیر البیان نیز به وجود مثنوی خسرو و شیرین وی - که شاید همین مثنوی بزرگ او در «عشق» باشد - اشاره کرده است.

۹. ر.ک: زلالی خوانساری، کلیات، تصحیح و تحقیق دکتر سعید شفیعیون، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، مقدمه ص ۲۷-۲۹ و ۹۹-۱۰۴.

برای یقین از انتساب مثنوی ایاز به ولی، سایر مثنوی های محمود و ایاز و دیگر «ولی» های شاعر را در فهرست های نسخ خطی و تذکره ها بررسی کردیم و نتیجه آن شد که هیچ یک از ولی ها مثنوی جداگانه ای با عنوان ایاز نسروده و صاحب هیچ یک از مثنوی های ایاز، تخلص ولی ندارند. گذشته از آن، این مثنوی ها هیچ مطابقتی با مثنوی ایاز ولی دشت بیاضی ندارند.

منابع

۱. بهوپالی، سید محمد حسن خان [متخلص به سلیم] (۱۳۹۰)، تذکره صبح گلشن، مترجم مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: اوستا فراهانی.
۲. بیگدلی، محمد علی [آذر] (۱۳۳۷)، آتشکده آذر، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه نشر کتاب.
۳. تهرانی، آقا بزرگ (۱۳۴۵)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
۴. حائری، عبدالحسین (۱۳۷۳)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۳، تهران: چاپخانه ۱۱۰.
۵. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. دشت بیاضی، ولی (۱۳۸۹)، دیوان، تصحیح مرتضی چرمگی عمرانی، تهران: اساطیر.

مثنوی نو یافته‌ای از ولی دشت بیاضی / ۱۳۳

۷. سام میرزا صفوی [بی تا]، تحفه سامی، تصحیح رکن الدین همایونفر، تهران: علمی.

۸. زلالی خوانساری (۱۳۸۴)، کلیات، تصحیح و تحقیق دکتر سعید شفیعیون، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۹. زمچی اسفزاری، معین الدین محمد (۱۳۳۸)، روضات الجنات فی اوصاف هرات، تصحیح محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. اصبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳)، تذکره روز روشن، تصحیح و تحشیه محمد حسین رکن زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.

۱۱. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، تهران: فردوس.

۱۲. مجوزی، محمد (۱۳۸۸)، «عشق محمود به ایاز و سیر تاریخی و عرفانی این داستان از آغاز تا کنون»، آینه میراث، دوره جدید، سال دوم، ش ۳، ص ۷۵-۹۱.

۱۳. مولوی، جلال الدین (۱۳۷۹)، مثنوی، به کوشش محمد استعلامی، ج ۶، چ ۶، تهران: زوار.

۱۴. ولی کرمانی، شاه نعمت الله (۱۳۷۳)، کلیات اشعار، تصحیح جواد نوربخش، تهران: چاپخانه